

## چکیده

تحولات مالی صورت گرفته در اقتصاد به ویژه در حیطه‌ی بازار سرمایه و تحولات در سیستم پرداخت‌ها طی سال‌های اخیر در شرایطی ایجاد گردیده است که تعریف پول به شکل سنتی خود مورد استفاده قرار گرفته و بازار پول هم‌سو با بازار سرمایه پیشرفت ننموده است. آنچه در عمل از سال ۱۳۷۹ در پیش روی سیاست‌گذاران قرار گرفت، گسست غیرقابل توجیه بر اساس رفتار گذشته، میان نرخ تورم و نرخ رشد پول است. نرخ تورم با یک دوره، اکیداً نزولی از سال ۱۳۷۹ مواجه گردید، در حالی که نرخ رشد پول روندی معکوس یافت. در ابتدا تصور می‌شد، این گسست موقت و زودگذر است، اما پس از چند سال این ارتباط شکل ساختاری به خود گرفت و سیاست‌گذاران را با ابهام مواجه نمود. در این مقاله، ضمن تبیین دلایل این شکست به وجود تحولات در بازار سرمایه و پول، که به روندهای استوکستیک میان تورم و رشد پول انجامیده، تاکید گردد. نتایج حاصل از بررسی به‌وضوح نشان می‌دهد که، تقاضای پول چه به شکل سنتی و چه به شکل نوین، با بی‌ثباتی مواجه باشد و این بی‌ثباتی در سال‌های اخیر به‌ویژه از سال ۱۳۷۴ شدت بیشتری یافته است. منشاء اصلی این بی‌ثباتی قطعاً در بی‌ثباتی سرعت گردش پول نهفته است. عواملی چون رشد تولید بالقوه، توسعه بازار سرمایه، نقش قیمت دارایی‌ها و عامل ثروت، توسعه بازارهای مالی، گسترش بانک‌های خصوصی، به‌نظم درآمدن بازارهای غیرمتشکل پولی، توسعه IT و خطوط ارتباط اینترنتی، گسترش کارت‌های اعتباری و سیستم پرداخت‌ها، تثبیت نرخ ارز و ایجاد بازار بین بانکی ارز، ایجاد حساب ذخیره‌ی ارزی از جمله دلایل افزایش کشش درآمدی بلندمدت تقاضای پول بوده که باعث رشد منفی سرعت گردش پول طی سال‌های اخیر گردیده است.

کلمات کلیدی: سیاست‌گذاری پولی، رژیم هدف‌گذاری پولی، تورم، نقدینگی بسیط، پایه‌ی پولی.